روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۹۶ ■ شنبه ۱۰ تیر ۱۳۸۵ ■ ۵ جمادی الثانی ۱۴۲۷ ■ ۱ جولای ۲۰۰۶

۳۲ صفحه ■ به همراه ۱۶ صفحه نیازمندی های شرق ویژه استان تهران ■ ۱۵۰ تومان

ناصرخسروخوانی

مقاله ای از احمد بورقانی

در سال های قبل از انقلاب در خیابان نظام آباد جنوبی دو باب دبیرستان معروف نظرها بود، اولی دبیرستان محمدعلی فروغی واقع در ایستگاه حسینی و دومی دبیرستان محتشم کاشانی در ایستگاه اسلامی که در دهه پنجاه به ابراهیم صهبا تغییر نام یافت. دانش آموزان این دو دبیرستان به رغم همجواری، اندک تفاوت هایی با هم داشتند، اولی ها قدری بی پرواتر، صریح تر، ورزشکارتر و درس ناخوان تر و دومی ها کمی با دفتر و کتاب مهربان تر، دست به جیب تر و قبل از...

صفحه ۱۹

در سالمرگ سهراب شهیدثالث

یادداشتی از بهروز افخمی

«یک اتفاق ساده» که اولین فیلم بلند «سهراب شهیدثالث» بود تا آنجا که به یاد دارم در اولین جشنواره بین المللی فیلم تهران به نمایش درآمد. آن زمان من ۱۵ ساله بودم و به کلاس های آموزش فیلمسازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می رفتم. فیلم را در سینما آزادی که تازه راه افتاده بود همراه با دو تا از مربی هایم در کلاس های کانون دیدم که اتفاقاً هر دو از همکاران سهراب شهیدثالث در وزارت فرهنگ و هنر بودند. «یک اتفاق ساده» فیلم غریب و ساکتی بود که...

صفحه آخر

نگاه روز

راز صنعتی شدن

اسحاق جهانگیری

وزیر پیشین صنایع و معادن

روز صنعت و معدن، فرصتی است تا اهمیت این بخش مهم اقتصادی و سیاست هایی که دولت برای توسعه آن در نظر دارد و نیز تنگناها و موانع توسعه از سوی کارشناسان و صاحب نظران مورد نقد و بررسی قرار گیرد. به عنوان یک علاقه مند به توسعه صنعتی کشور ضمن تبریک این روز به تمام دست اندرکاران اعم از سیاستگزاران، مدیران، کارشناسان و کارگران عزیز از خداوند متعال برای آنان آرزوی توفیق دارم. فرصت را مغتنم شمرده به برخی مطالب اشاره می کنم.

افزایش رفاه مادی و داشتن جامعه ای بالنده و پرنشاط که تک تک مردم در آن احساس آرامش و امنیت کنند مسئله مهم مدیران و مسئولان کشور باید باشد. اما این مسئله بسیار پیچیده و چندلایه است و حل آن نیاز به تلاش همراه با برنامه دارد. راه حل اینگونه مسائل پیشینه ای دارد که به لحاظ تاریخی تجربه شده است. تصور اکثر کارشناسان این است که ذخایر غنی معدنی خصوصاً نفت و گاز، اقلیم مناسب، سرزمین پهناور، موقعیت جغرافیایی، سابقه تاریخی مناسب و طولانی، نیروی انسانی تحصیلکرده و باهوش و . . . ابزارهایی هستند که برای حل مسئله نیاز داریم و از طرفی براساس خرد و منطق می توان و باید راه حل های موفق تجربه شده در سایر جوامع را مورد توجه قرار داد. پیدا کردن نمونه های موفق دشوار نیست. تجربه نشان می دهد که کشورهای زیادی برای افزایش رفاه مادی مردم خود، استراتژی «صنعتی شدن» را به مثابه راه نجات انتخاب کرده اند و راز کامیابی آنها نیز انتخاب روش های مناسب و کارآمد و باثبات در یک دوره زمانی طولانی بوده است. توسعه صنعتی به عنوان یک راه حل موفق در غلبه بر مسئله فقر عمومی پاسخ مثبت داده است زیرا صنعت و معدن علاوه بر یک زیربخش اقتصاد که با رشد و شکوفایی خود درآمد جامعه را افزایش می دهد به طور غیرمستقیم از سه طریق دیگر به افزایش درآمد منجر می شود:

۱ – صنعت به عنوان محمل تحولات تکنولوژیک از طریق ایجاد روش ها و اختراع ابزارهای نوین تولید بهره وری را در دیگر بخش ها بالا می برد.

۲ – توسعه صنعت با رشد مهارت ها و توانمندی های علمی و فنی نیروی انسانی همراه است و در نتیجه با ارتقای سطح دانش خود موجب افزایش درآمد جامعه می شود.

۳ – توسعه صنعت منجر به توسعه بخش هایی از خدمات نظیر حمل ونقل، بیمه، سیستم بانکی، آموزش، مخابرات، خدمات مشاوره ای و . . . می شود.

پیامدهای مثبت و غیرقابل انکار توسعه صنعتی در افزایش رفاه مادی و دمیدن روح رقابت و سرزندگی و ایجاد فرصت های پایدار شغلی موجب شده است که مراکز تصمیم گیری جوامع نسبت به آن حساس باشند. واقعیت این است که با توجه به ابزارهای مورد نیاز توسعه و از طرفی ضرورت توسعه کشور برای مقابله با چالش های پیش رو، توسعه صنعتی را در ایران امری اجتناب ناپذیر کرده است.

در دو دهه اخیر تلاش هایی برای توسعه صنعتی خصوصاً سرمایه گذاری در صنایع بزرگ و واسطه ای شده است و ظرفیت های قابل توجهی در بخش نیروگاهی، پتروشیمی، فولاد، مس، آلومینیوم، سیمان و . . . یا تکمیل زیرساخت های مورد نیاز نظیر انرژی، حمل ونقل شبکه راه ها و راه آهن، مخابرات و . . . از جمله دستاوردها است.

در برنامه سوم توسعه پس از انقلاب علاوه بر استمرار سیاست سرمایه گذاری در تکمیل زیرساخت ها و ایجاد صنایع بزرگ و واسطه ای متکی بر مزیت های طبیعی کشور به موضوع مهم دیگری که اصلاح ساختارهای اقتصادی است، اهمیت ویژه ای داده بود و در همین راستا تلاش شد که مداخلات اداری دولت در بنگاه های اقتصادی به سازوکارهای اقتصادی و شفاف تبدیل شود.

– نگاه دولت به فعالیت های بخش صنعت و معدن اصلاح و تلاش در جهت حرکت از دولت رقیب بخش خصوصی به دولت پشتیبان آن آغاز شد.

– بخش خصوصی به عنوان موتور توسعه صنعتی مورد توجه قرار گیرد و در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها حضور موثر بخش خصوصی و تشکل های آنها پذیرفته شود.

– دخالت دولت در سیستم بانکی محدود شود و بانک ها با آزادی عمل بیشتر پشتیبان فعالیت های تولیدی و اقتصادی شوند.

– بخشی از منابع حاصل از فروش نفت برای سرمایه گذاری های اقتصادی و توسعه صادرات به بخش خصوصی اختصاص یافت. (۵۰ درصد از منابع حساب ذخیره ارزی)

– راهبرد توسعه صنعتی در چارچوب چشم انداز تهیه شد که بر این اساس رقابت پذیری در بازارهای داخلی و خارجی برای آن هدف گذاری شد و برای دوره انتقال به یک صنعت رقابت پذیر در سطح جهانی طرح نوسازی صنایع تهیه و تدوین شد که هدف از آن کمک به بنگاه های صنعتی برای اصلاح ساختارهای خود و ورود به عرصه بین المللی بود. استمرار اصلاحات مورد نیاز در روش ها و مقررات محیطی و درونی بخش صنعت و معدن با هدف تسهیل امور این بخش باید همواره مورد توجه مسئولین باشد تا همچنان شاهد رشد شاخص های اصلی بخش صنعت و معدن در برنامه چهارم هم باشیم.

ادامه در صفحه ۳۱

اصلاحیه

در آگهی اعلان ختم مرحوم ملک منصورخان صولت قشقائی که روز چهارشنبه ۷ تیر ۸۵ در صفحه اول شرق درج شده بود، متاسفانه در متن عبارت «خدمات ارزنده ایشان در نهضت ضداستعماری جنوب» اشتباهی رخ داده بود که بدین وسیله تصحیح می گردد.

▼ شادمانی آلمانی ها. عکس: AFP

حذف آرژانتین در ضربات پنالتی

میزبان در نیمه نهایی

گروه ورزش، وصال روحانی: اولین مسابقه از مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ عصر دیروز در ورزشگاه بزرگ شهر برلین آلمان برگزار شد و دو تیم ملی آلمان و آرژانتین یکی از جالب ترین و سنگین ترین بازی های جام هجدهم را در برابر یکدیگر انجام دادند. مسابقه ای که تکلیف آن در ۹۰ و حتی ۱۲۰ دقیقه تعیین نشد و کار به ضربات پنالتی کشیده شد و نفس همگان را در سینه حبس کرد تا این که سرانجام آلمان در ضربات پنالتی به برتری ۲-۴ رسید و صعود کرد.

آرژانتین مثل تمام رقبای قبلی آلمان و به واقع مانند همه مردم فهمیده بود که برای مقابله موثر با میزبان باید آتش حملات آلمان را در ۲۰ دقیقه اول مهار و سرکوب کند. ژرمن ها در ۴ مسابقه قبلی خود (منهای مسابقه با لهستان که گره خورد و کار به لحظات آخر کشید) در همان اوایل وقت گلزنی کرده و روحیه حریفان را کشته و کار را تمام کرده بودند و بهترین نمونه، بازی با سوئد بود که آلمان در ۱۲ دقیقه اول دو گل زد و شکست سوئد را محرز کرد و دیدار افتتاحیه جام در برابر کاستاریکا نیز نمونه دیگری در این ارتباط بود. به این خاطر بود که آرژانتین با دوندگی و کوشش فراوان سعی کرد از همان آغاز حملات آلمان را کمرنگ کند و قادر به انجام این کار نیز شد. دو تغییر که خوزه پکرمن مربی آرژانتین در ترکیب این تیم صورت داده بود، در این روند نقش مهمی را ایفا کرد. او پس از دیدن ضعف بردیسو و اسکالونی در سمت راست خط دفاعی، آنها را بیرون گذاشت و کولوچینی را از مرکز خط دفاعی به سمت راست برد و جای او را به هاینتزه سپرد تا وی زوج مرکز خط دفاعی را در کنار آیالا تشکیل دهد. سورین نیز مدافع چپ شد و به واقع همان جا بازی کرد که تخصص او است و نه هافبک و بال چپ که در دیدارهای قبلی استقرار او را در آن دیده بودیم. پکرمن در مرکز خط میانی هم کامبیاسو را بیرون گذاشت و لوئیس گونزالس را وارد ترکیب ثابت کرد تا در جنگ های فیزیکی مرکز میدان در برابر امثال بالاک و فرینگز کم نیاورد. بازی کردن ته وز به جای ساویولا در خط حمله، دیگر تغییر در ترکیب آرژانتین بود.

در آن سوی میدان یورگن کلینزمن آلمان را بدون هیچ تغییر عمده ای به زمین فرستاد. وقتی ۴۵ دقیقه اول به این شکل گره خورد و حملات آلمان مهار و هجوم های آرژانتین در تقابل با مرتساکر و متزلدر کمرنگ شد برخوردهای فیزیکی نیز لاجرم فزونی گرفت، ولی لوبوس میشل داور اهل اسلواکی که در همان دقیقه چهارم به لوکاس پودولسکی مهاجم آلمان اخطار داده بود، سعی کرد دقایق باقی مانده نیمه اول را با آرامشی نسبی و بدون استفاده از «کارت» هایش سپری کند. دو تیم نیز پذیرفته بودند که در درجه اول گلی نخورند و در انتظار فرصت و اشتباه حریف بنشینند. به این ترتیب بود که نفوذهای مکرر ته وز از سمت راست خط دفاعی آلمان (آنجا که آرنه فردریش مدافع راست آلمان چندان جواب نمی داد) و همچنین حرکات پیاپی ماکسی رودریگز و کرسپو در عرض و طول خط دفاعی آلمان چندان موثر واقع نمی شد و در آن سوی میدان نیز کلوزه چنان تحت مراقبت نزدیک مدافعان آرژانتین قرار داشت که نمی توانست فروغ دیدارهای قبلی اش را داشته باشد.

بالاک و فرینگز در مرکز خط میانی مجبور بودند ابتدا به جنگیدن با هافبک های حریف بیندیشند و حتی شواین اشتایگر هم در این دام افتاده بود. با این اوصاف جای تعجب نداشت که در نیمه اول حتی یک بخت صددرصد گل هم خلق نشد و ضربه آزاد پودولسکی که در دو ضرب توسط آبوندانزیری مهار شد و ضربه سر بالاک روی سانتر اشنایدر که از کنار تیر عمودی دروازه آرژانتین به اوت رفت نیز خطرهایی بزرگ نبودند، همان طور که تمام یورش های آرژانتینی ها در سد دفاعی آلمان متوقف شد و قد بلند مرتساکر و متزلدر و حضور فیزیکی محسوس و قوی ژرمن ها باعث می شد که هیچ یک از هجوم های آرژانتینی ها برخلاف دیدارهای قبلی زهر و رنگ لازم را نداشته باشد. به این ترتیب و با صفر – صفر شدن نیمه اول همه چیز به نیمه دوم موکول و تعیین سرنوشت به دقایق بعدی وابسته شد. با این حال در همان اوایل نیمه دوم همه چیز عوض و بازی بسیار پرشورتر شد. ساعت دقیقه ۴۹ را نشان می داد که روی کرنر خوان رومن ریکلمه از سمت راست روبرتو آیالا مدافع وسط آرژانتین برخاست و با استفاده از قصور مدافعان آلمان که به او فرصت لازم را دادند، با یک ضربه سر دروازه ینس لمن را باز کرد و در میان بهت و ناراحتی ۷۲ هزار تماشاگری که اکثرشان آلمانی بودند، قهرمان سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۶ جهان را از فاتح ۳ دوره جام جهانی پیش انداخت. وقتی حملات آلمان به قصد جبران این گل تا دقیقه ۶۱ بی ثمر ماند، یورگن کلینزمن اشنایدر را بیرون برد و دیوید اودونکور جوان تر را جانشین وی در سمت راست میدان کرد. بدیهی بود که پس از آن حملات شدید آلمان و دفاع یکپارچه آرژانتین در دستور کار قرار گیرد و تنش و هیجان بیشتر شود. ضربه چکشی بالاک در پی یک کرنر که بد نواخته شد و چندین و چند سانتر از دو سو و به خصوص از سمت راست به روی دروازه آرژانتین بر اثر شلوغی مفرط در آستانه دروازه این تیم هیچ کدام به هدف ننشست. آسیب دیدگی روبرتو آبوندانزیری دروازه بان آرژانتین و ورود لئوناردو فرانکو به جای او اتفاق مهم بعدی در این مقطع از بازی بود اما اگر این رویداد اجباری و محصول مصدومیت دروازه بان ثابت آرژانتین از ناحیه کمر و سینه بود، بیرون کشیدن ریکلمه در دقیقه ۷۴ و فرستادن کامبیاسو به جای او شجاعت (و شاید هم حماقت!) عجیبی را می طلبید. شاید هم استدلال پکرمن این بود که در آن هنگامه برخورد و جنگ های فیزیکی، آرژانتین کسانی را می خواست که بجنگند، تکل بزنند و حریف را بکوبند و ریکلمه با بازی فنی و اشرافی اش به درد چنان مقطعی از بازی نمی خورد.

ادامه در صفحه ۳۱

بازی های شنبه	
مرحله یک چهارم نهایی	
انگلیس–پرتغال	ساعت ۱۸/۳۰
برزیل–فرانسه	ساعت ۲۲/۳۰

دولت حماس زیر فشار اسرائیل

۸ وزیر و ۲۰ نماینده فلسطینی در زندان صهیونیست ها به سر می برند

گروه بین الملل: ده ماه پیش آریل شارون نخست وزیر صاحب نام اسرائیل که اکنون مدت ها است دچار سکته مغزی شده و در حالت کما و بر تخت بیمارستان به سر می برد، در یک اقدام غیرمنتظره و باورنکردنی تصمیم گرفت شهرک های یهودی نشین را از محیط غزه برچیده و این منطقه را تخلیه کند. اسرائیلی ها همیشه بر این باور بودند که غزه را باید به دریا انداخت بنابراین از این جهت با اقدام شارون موافقت کردند که شاید برای همیشه خیالشان را از این منطقه پردردسر و پرهزینه راحت کنند. با این حال هنوز یک سال از ماجرا نگذشته که اسرائیل دوباره ده ها تانک و هزاران سرباز را به غزه آورد تا درگیری تمام عیاری را با فلسطینی ها آغاز کند. روزهای چهارشنبه و پنجشنبه گذشته اوج حملات پی درپی زمینی و هوایی اسرائیل به غزه و کرانه باختری بود که طی آن ۶۴ نفر از مقامات فلسطینی دستگیر و بازداشت شدند و در درگیری های پراکنده نیز دو فلسطینی کشته و چند نفر مجروح شدند. اسرائیل با هواپیماهای خود دو پل و مرکز تولید برق غزه را بمباران کرد و با موشک دفتر وزیر کشور دولت حماس را به همراه یک دفتر روزنامه و یک استادیوم ورزشی هدف قرار داد و این هنوز آغاز ماجرا است. ماجرایی که سرانجام روشنی نمی توان بر آن متصور شد.

■ **آغاز درگیری های اخیر**

اختلافات داخلی در فلسطین و اسرائیل به نحوی بود که غالب تحلیلگران را به این باور رسانده بود که در شرایط کنونی درگیری مهمی بین اسرائیل و فلسطینی ها رخ نخواهد داد. اما برخلاف این تصور روز یکشنبه گذشته یک گروه از طرفداران گروه های حماس و جهاد اسلامی فلسطین با کندن تونلی خود را به یک ایست بازرسی اسرائیل در «کرم سالم» رسانده و به سربازان اسرائیلی مستقر در آنجا یورش آوردند. در این حمله دو اسرائیلی کشته و چند نفر زخمی شدند. فلسطینی ها نیز دو کشته و چند مجروح به جای گذاشتند. اما عمل خارق العاده در این حادثه آن بود که فلسطینی ها موفق شدند یک سرباز ۲۰ ساله اسرائیلی به نام «گلعاد شاویت» را بربایند و با خود ببرند. اسرائیل که از این حمله غافلگیر و به شدت خشمگین شده بود به فلسطینی ها ۴۸ ساعت اولتیماتوم داد تا این سرباز را آزاد کنند. فلسطینی ها نه تنها این سرباز را آزاد نکردند بلکه توانستند یک شهروند اسرائیلی دیگر را در این فاصله ربوده و حتی اعلام کردند که تنها در برابر آزادی تمام اسرای فلسطینی زیر ۱۸ سال حاضر به آزادسازی این سرباز خواهند بود. رایزنی های بین المللی که از سوی مصر، فرانسه، سازمان ملل متحد و دولت خودگردان جریان پیدا کرد نتوانست ماجرا را خاتمه دهد. بنابراین اسرائیل پس از انقضای مدت تعیین شده حمله سراسری خود را آغاز کرد. بامداد چهارشنبه گذشته اسرائیل به بهانه آزاد کردن سرباز به گروگان گرفته شده خود با حمایت ده ها دستگاه تانک و تجهیزات زرهی به نوار غزه یورش برد که این حملات باعث خسارت های فراوانی به زیرساخت های جامعه فلسطینی شد. اسرائیل با بمباران نیروگاه تولید برق غزه این منطقه را در تاریکی کامل فرو برد. زیرا این نیروگاه ۷۰ درصد از برق غزه را تامین می کرد. حمله اسرائیل از شمال و جنوب غزه به طور هماهنگ انجام می شد. بلافاصله با آغاز این حمله این تصور به وجود آمد که اسرائیل قصد اشغال دوباره غزه را دارد. اما عمیر پرتز وزیر دفاع اسرائیل گفت: اسرائیل قصد ندارد دوباره غزه را اشغال کند. وی هدف از تهاجم به غزه را «تنها آزاد کردن سرباز اسرائیلی ربوده شده» توصیف کرد. در همین رابطه ایهود اولمرت نخست وزیر اسرائیل نیز تاکید کرد همه امکانات و وسایل را برای آزاد کردن سرباز اسرائیلی به کار خواهد بست.

■ **ادامه حملات**

پنجشنبه گذشته حملات اسرائیل گسترش بیشتری پیدا کرد و غیر از شمال و جنوب غزه به کرانه باختری نیز کشیده شد. در غزه اسرائیل در ادامه حملات ایذایی خود ساختمان وزارت کشور فلسطین [دولت حماس] را هدف قرار داد که در اثر آن خسارت سنگینی به بار آمد. این حمله تلفات جانی نداشت. از طریق شمال غزه نیز اسرائیل حملات موشکی خود را آغاز کرد و در اردوگاه جبالیا سه فلسطینی را مجروح کرد. در جنوب اسرائیل فرودگاه رفح را هدف راکت قرار داد و به آن آسیب رساند. همچنین قایق های توپدار اسرائیل سواحل خان یونس در جنوب غزه را هدف قرار دادند. هواپیماهای اف ۱۶ اسرائیل یک راکت به منطقه ای مسکونی در شمال شرق رفح شلیک کردند که در نتیجه گودال عمیقی در نزدیکی یک پایگاه متعلق به گروه حماس ایجاد شد. اسرائیل در ادامه حملات خود دیروز صبح به شهر نابلس در کرانه باختری حمله کرد و با گروهی از اعضای «شهدای الاقصی» وابسته به جنبش فتح درگیر شد. در این درگیری یک فلسطینی کشته و یک نفر دیگر زخمی شد. نیروهای اسرائیلی همچنین به یک مرکز حفظ قرآن کریم در داخل مسجدی در شهر طولکرم یورش بردند و درها و پنجره ها و وسایل آن را شکستند. همچنین مقر جنبش ملی آزادیبخش فلسطین در محله «الزهراء» غزه و دفتر روزنامه «الصحوه» در این شهر که وابسته به حماس بود، هدف حملات موشکی اسرائیل قرار گرفت و منهدم شد. اسرائیلی ها منزل یکی از فرماندهان حماس در جنوب رفح را هم بمباران کردند که این خانه ویران شد اما به کسی آسیب نرسید. اسرائیل طی روزهای گذشته بیش از ۲۰ جاده و نواحی اطراف آن، دو پل و یک نیروگاه برق را بمباران کرده است.

■ **بازداشت مقامات حماس**

اسرائیل در حمله سراسری خود به فلسطین تنها به بمباران مناطق اکتفا نکرد بلکه به تلافی ربوده شدن یک سرباز خود اقدام به بازداشت حداقل ۶۴ تن از مقامات دولت حماس کرد. اسرائیل از همان ابتدای این ماجرا، دولت خودگردان به رهبری محمود عباس و حکومت حماس را مسئول ربوده شدن سرباز اسرائیلی دانست و عباس را به ضعف در اداره امور فلسطین متهم ساخت. روز پنجشنبه منابع فلسطینی اعلام کردند که اسرائیل طی حملات اخیر خود هشت وزیر کابینه حماس، بیش از بیست نماینده پارلمان و تعدادی از روسای شورای شهر و مسئولان جنبش حماس را در کرانه باختری بازداشت کرده است. اسامی بعضی از بازداشت شدگان عبارتند از: محمد برغوثی (وزیر کار)، عمر عبدالرزاق (وزیر دارایی)، خالد عمر (وزیر قدس)، نایف الرجوب (وزیر اوقاف)، وصفی کبها (وزیر امیران)، فخری ترکمان (وزیر امور اجتماعی)، عیسی الجعبری (وزیر حکومت محلی)، سمیر ابوعشیه (وزیر برنامه ریزی) و تعدادی از نمایندگان پارلمان که اسامی آنها هنوز اعلام نشده است. بعضی خبرهای تایید نشده می گوید عزیزالدویک رئیس پارلمان فلسطین نیز جزء این اسرا است. بعضی تحلیلگران معتقدند هدف از این بازداشت های گسترده علاوه بر ایجاد خلأ سیاسی و اجتماعی و انحلال کابینه حماس، این است که اگر قرار بر مبادله اسیران شد، اسرائیل بتواند در ازای تحویل دادن این افراد سرباز ربوده شده خود را بازپس بگیرد.

■ **واکنش های منطقه ای و بین المللی**

با آغاز تهاجم اسرائیل به غزه در سودان و مغرب گروه های مردمی با تظاهرات خود این حمله را محکوم کردند. پس از آن دولت های اسلامی نسبت به این ماجراجویی تازه اسرائیل واکنش نشان داده و آن را محکوم کردند. ایران خواستار نشست فوری شورای امنیت سازمان ملل متحد شد. منوچهر متکی وزیر خارجه ایران با ارسال نامه ای به کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد برای تشکیل جلسه فوری شورای امنیت در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: رژیم صهیونیستی و اقدامات وحشیانه اش بر ضد ملت بی گناه فلسطین منشاء تروریسم است. متکی افزود: شورای امنیت باید به این مسئله که به یقین بزرگترین تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی است، رسیدگی کند. وی افزود: تنها راه حل مناقشه خاورمیانه، بازگشت به مرزهای قدیمی فلسطین است و پس از آن مسیحیان و یهودیان می توانند در مورد انتخاب دولت رای دهند. در یک اظهارنظر دیگر حمیدرضا آصفی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران تجاوزگری های اخیر اسرائیل را ناشی از انزوای بین المللی این رژیم دانست. وی روز جمعه در گفت وگو با خبرنگاران بر تلاش جمهوری اسلامی ایران برای استفاده از همه ظرفیت های سازمان های بین الملل به منظور متوجه کردن افکار عمومی جهان نسبت به عمق جنایات رژیم صهیونیستی تاکید کرد. وی درخصوص جنایات اخیر رژیم صهیونیستی در غزه اظهار داشت: اقدامات اخیر رژیم صهیونیستی در ادامه سیاست های ضدبشری این رژیم در طول سال های گذشته است. در مقابل این موضع گیری، کاخ سفید واشینگتن از اقدامات اسرائیل جانبداری کرد و آن را در راستای دفاع از خود و دفاع از شهروندان خود توصیف کرد. در عین حال کاندولیزا رایس وزیر خارجه آمریکا طرف ها را به خویشتنداری و حل دیپلماتیک بحران دعوت کرد و در مجموع آمریکا دولت خودگردان را مسئول این درگیری ها دانست و سخنگوی کاخ سفید گفت: «این موضوع به دولت فلسطین برمی گردد و محمود عباس باید خشونت ها را کنترل می کرد.»

ادامه در صفحه ۲

سرمقاله

توفان پیش از آرامش؟

بحران در سرزمین های فلسطینی

احمد زیدآبادی

عمیر پرتز رهبر حزب کارگر اسرائیل که اینک سمت وزیر دفاع در کابینه ایهود اولمرت را به عهده دارد، قرار نبود با فلسطینی ها همان رفتاری را کند که پیشینیان راست گرایش کرده بودند، اما گویی این جبر چپ گرایان اسرائیلی است که در مقابله با فلسطینی ها پا جای پای راست گرایان بگذارند. عمیر پرتز در واقع نخستین وزیر دفاع غیرنظامی اسرائیل است که عمر خود را نه در پادگان ها، بلکه در اتحادیه کارگری سپری کرده است. از همین رو بسیاری از راست گرایان اسرائیل، انتخاب او برای هدایت وزارت دفاع را «فردی اشتباه در جایگاهی اشتباه» توصیف کردند، به خصوص اینکه پرتز خود را بیش از هر مقام اسرائیلی دیگر مدافع صلح با فلسطینی ها معرفی می کند. با این همه پس از حمله رزمندگان فلسطینی به یک پست دیده بانی ارتش اسرائیل در مرز نوار غزه که باعث کشته و زخمی شدن شش نظامی اسرائیلی و ربودن یک سرجوخه شد، پرتز با سایر مقام های اسرائیلی برای تهاجم سنگین علیه مواضع دولت فلسطینی تحت رهبری حماس همراه شده است. ارتش اسرائیل در شش روز گذشته افزون بر حمله به پایگاه های گروه های مسلح فلسطینی در اردوگاه ها و تاسیسات زیربنایی دولت خودگردان در نوار غزه، هشت تن از وزیران کابینه اسماعیل هنیه و ۵۶ نماینده و مقام حماس را نیز دستگیر کرده است. ارتش اسرائیل در عین حال تهدید کرده است که اگر سرجوخه ربوده شده هر چه سریع تر آزاد نشود، سایر مقام های حماس را نیز دستگیر خواهد کرد. چنین واکنش گسترده و ویرانگری در برابر یک حمله محدود و ربودن یک سرباز، اسماعیل هنیه را به این نتیجه رسانده است که تمام این عملیات طرحی از پیش تدوین شده برای ساقط کردن دولت حماس است. به نظر می رسد هدف اصلی اولمرت و پرتز از عملیات جاری، بیش از آنکه سرنگون کردن دولت حماس باشد، در درجه نخست پر هزینه کردن عملیات رزمندگان فلسطینی و در درجه دوم نشان دادن چهره های قاطع از خود در برابر راست گرایان اسرائیلی است. پس از اغمای آریل شارون و به قدرت رسیدن ایهود اولمرت شمار حملات موشکی به شهرک های اسرائیلی از نوار غزه روز به روز افزایش یافته است. هر چند که این حملات هیچ گاه تلفات سنگینی بر جا نگذاشته، اما در عمل زندگی ساکنان برخی از شهرک ها به ویژه شهرک سیدروت را ناامن و مختل کرده است. دو هفته پیش شهردار سیدروت با فراخواندن ساکنان این شهرک به اعتصاب عمومی و بستن راه های ورود و خروج شهر، خواستار استعفای دولت اولمرت به دلیل ناتوانی در تامین امنیت سیدروت شد. راست گرایان افراطی در پارلمان اسرائیل نیز با شهردار سیدروت همراه شدند و ضمن انتقاد از ناتوانی اولمرت و پرتز عقب نشینی یک جانبه ارتش اسرائیل از نوار غزه را علت تشدید شلیک موشک به شهرک های اسرائیلی دانستند. راست گرایان به طور هم صدا از دولت اولمرت و به خصوص پرتز خواستند که برای قطع موشک پرانی دست به کاری جدی بزنند. اولمرت و پرتز اما در این مورد چه کاری از دستشان ساخته بود؟ آنها ابتدا دستور هدف قرار دادن برخی از مناطق نوار غزه را که گمان می رفت محل پرتاب موشک هاست صادر کردند، اما این اقدام منجر به قتل فجیع شماری از غیرنظامیان فلسطینی شد و محکومیت بین المللی اسرائیل را به همراه آورد. راه دوم اشغال دوباره نوار غزه بود که برای اولمرت حکم خودکشی سیاسی داشت چرا که اولمرت سرسخت ترین مدافع خروج یک جانبه از نوار غزه بوده و اصولاً با وعده تکرار همین سیاست در کرانه باختری رود اردن به قدرت رسیده است. اشغال مجدد نوار غزه در حقیقت به معنای اعتراف اولمرت به شکست قطعی سیاست عقب نشینی یک جانبه از سرزمین های فلسطینی و بلاموضوع شدن برنامه او برای آینده بحران خاورمیانه بود. این همان نکته ای بود که راست گرایان افراطی در پی آن بودند، بنابراین آنها با اعمال فشار سنگین علیه دولت اولمرت برای پایان دادن به موشک پرانی ها، قصد وادار کردن او به اتخاذ سیاستی مغایر برنامه رسمی دولت داشتند تا بدین وسیله وی را تضعیف کرده و از قدرت برکنار کنند و در صورتی هم که اولمرت به این کار تن نمی داد، او را در بین افکار عمومی به عنوان چهره ای ضعیف و ناتوان معرفی کرده و به فشارهای عمومی علیه او می افزودند. شبه نظامیان وابسته به گروه های فلسطینی نیز به این تنگنای دولت اولمرت واقف بودند و از همین رو به رغم همه فشارها، به موشک باران شهرک های اطراف نوار غزه ادامه دادند. در این میان، ربودن سرجوخه اسرائیلی به دولت اولمرت این بهانه را داد تا از طریق رویارو شدن با دولت خودگردان فلسطینی تحت رهبری حماس، هم چهره ای مصمم از خود نزد راست گرایان داخلی نشان دهد و هم با ضربه زدن به موقعیت حماس، آن را وادار به انتخاب یکی از دو خط مشی سیاسی یا نظامی کند. حماس به عنوان حزب حاکم فلسطین که مسئولیت های یک دولت را برعهده دارد، قاعدتاً نمی خواهد با اعلام جنگ رسمی با اسرائیل دستاوردهای سیاسی خود را فدا کند. در عین حال حماس که با وعده ادامه مقاومت مسلحانه در برابر اسرائیل به قدرت رسیده است، هنوز در موقعیتی نیست که در قالب یک دولت پایبند به قواعد عرفی و معمول آن عمل کند. بدین ترتیب دولت اولمرت پاشنه آشیل خود را که همان ناتوانی از پایان دادن به پرتاب موشک از نوار غزه به شهرک ها است، به پاشنه آشیل دولت خودگردان که همان تناقض کارکردی در ترکیب توامان دولت رسمی و سازمان چریکی است، پیوند داده است. بر این اساس به نظر می رسد که بحران جاری در سرزمین های فلسطینی توفان پیش از آرامش است، آرامشی که دو طرف بحران با درک مشکلات خود و طرف مقابل ناچار به دستیابی به آن هستند.

روزنامه شرق نیازمندیهای ۲۲۰۱۴۰۱۰ انتخاب اول